

یادداشت

مصادق عنوان نفقه

دکتر عباس کریمی*

● ۱- در رابطه با هزینه‌هایی که مصداق عنوان نفقه است، اختلاف نظر است. به نظر می‌رسد نفقه حقیقت شرعیه نباشد بلکه حقیقت متشرعه است که فقیهان با توسل به عرف مصادیق آن را تعیین کرده باشند و بنابراین چون حقیقت عرفیه است و عرف متحول است، باید مصادیق آن را در هر زمان ا دیدگاه عرف تعیین کرد و هر نوع هزینه متعارفی که برای یک زندگی متناسب با شان خانواده ضروری باشد را در ردیف نفقه قرار داد. حتی اگر مصادیقی که در کتب فقهی مطرح شده را تبیین یک حقیقت شرعیه بدانیم که عرف تأثیری بر آن ندارد، باز هم این‌قدر دایره این مفهوم وسیع است که غالب هزینه‌ها را دربر می‌گیرد. این هزینه‌ها گاهی اختصاصی به زوج‌ه دارد همانند هزینه پوشاک، بهداشت، آموزش و آرایش و گاهی مشترک بین زوجین است همانند هزینه مسکن و تغذیه. آنچه اختصاصی مرد است، تحت عنوان نفقه نمی‌گنجد ولی عنوان هزینه زندگی بر آن صدق می‌کند. به‌رحال پاسخ سؤال به ماهیت نفقه بستگی دارد زیرا مسائل مالی زندگی اصولاً از قبیل «حقوق» هستند نه «احکام» و بنابراین می‌توانند موضوع توافق طرفین قرار گیرند و به‌طور ارادی کاهش، افزایش یا اسقاط شوند به جز اصل وجود مهریه به‌ویژه در نکاح منقطع و به استثنای تردیدی که راجع به نفقه است که موضوع بحث حاضر است. پس سؤالات آنجا که مربوط به بحث نفقه است، تردیدبرانگیز است مگر اینکه اگر اسقاط نفقه را غیرمعتبر بدانیم، سپس به قیاس اولویت متوسل شویم و تعهد پرداخت نصف هزینه‌های اختصاصی زوج را توسط زوج به طریق اولی باطل بدانیم. پس تمام بحث پیرامون ماهیت نفقه متعقد می‌شود.

۲- برای صحت شرط ضمن عقد نتها باید پنج شرط موضوع مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ قانون مدنی محقق باشد بلکه شرایط دیگری از قبیل تجنیز و معلوم و معین‌بودن موضوع شرط نیز باید به نظر بعضی وجود داشته باشد. فارغ از اینکه به نظر ما شرایط صحت عقد به اندازه‌ای که توسط بعضی از بزرگان علم حقوق ادعا شده متعدد نیست، زیرا قاعده اغتفار (يعتقر فی الشرط ما لايعتقر فی العقد) که یک قاعده اصطیادی است و مبتنی بر ادله قوی است چنین اقتضایی دارد. به‌رحال در بحث حاضر فقط سه بحث مجهول‌بودن شرط موردبحث، خلاف‌مقتضابودن آن و غیرمشروع‌بودن آن قابل‌تصور است و در فرض سؤال سایر شرایط صحت عقد فراهم است.

۳- از حیث مجهول‌بودن میزان هزینه‌های زندگی اشکالی برای صحت شرط ایجاد نمی‌شود زیرا اولاً به نظر ما مجهول‌بودن شرط خودبه‌خود اشکال ندارد و مستند ما قاعده اغتفار پیش‌گفته است مگر اینکه یا جهل مزبور موجب جهل به عوضین شود که در فرض ما منتفی است یا متضمن غر باشد که با توجه به قابلیت تعیین آن توسط عرف در زمان تادیه و علم اجمالی طرفین نسبت به حدود میزان آن، غری نیز قابل‌تصور نیست و در نتیجه از این جهت ایرادی به شرط وارد نیست.

۴- شرط مزبور خلاف مقتضای عقد نکاح نیز نیست زیرا بنا بر تبییی که در کتب فقهی به منظور تدوین مقاله «تأملی نو در مفهوم شرط خلاف مقتضا» منتشر شده در کتاب بر منهج عدل تقدیمی به مرحوم دکتر کاتوزیان داشتم، براساس هیچ‌یک از چهار دیدگاه، لزوم اتفاق یا ذات عقد نکاح درآمیخته نیست.

ادامه در صفحه ۱۷

شهروزاد همتی: معلم ورزش، همیشه در تک‌تک ورزشی که بیشتر اوقات سهم کلاس فوق‌العاده فیزیک و ریاضی می‌شد، با عصبانیت، درست وقت نمایش‌کردن دانش‌آموزان داد می‌زد: زنگ ورزش، زنگ زن‌باباست. زنگی که به سلامت شما مستقیم مربوطه، اون‌قدر ارزش نداره که یک زنگ کامل باشه، اون‌قدر ارزش نداره که من به معلم ریاضی شما بگم لطفاً وقت کلاست رو بده به ما، اوضاع جسمی دانش‌آموزان خوب نیست، وزن همه‌شون بالاست... حاکایت زنگ ورزش در مدارس همیشه همین بوده است؛ زنگی که هیچ‌وقت جزء ساعت‌های مهم درسی محسوب نمی‌شده. روز ورزش، روز غیبت‌کردن بچه‌ها از مدرسه بود و همین ماجرا باعث شد که وضعیت تربیت‌بدنی و رابطه دانش‌آموزان با ورزش به حداقل برسد. برخی منتقدان می‌گویند که بسیاری از دانش‌آموزان در مدارس ایران برای رسیدن زنگ ورزش لحظه‌شماری می‌کنند، چون از استترس درس خواندن فارغ‌اند. کمبود امکانات ورزشی مناسب، نبود فضای مناسب برای انجام فعالیت‌های ورزشی و کمبود معلمان متخصص به‌عنوان مربی ورزش و سلامتی ازجمله عواملی هستند که به‌عنوان دلایل جدی‌گرفته‌نشدن زنگ ورزش عنوان می‌شوند؛ اما با وجود همه اینها هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این موضوع شود که زنگ ورزش و آموزش تربیت‌بدنی در مدارس ما مغفول مانده است. طرح‌هایی که هرازگاهی از سوی تئورسین‌های ورزش آموزش‌وپرورش به مدارس بخش‌نامه می‌شوند و در پروپاگاندای رسانه‌ای درباره‌شان گفته می‌شود و بعد از مدتی هم خاموش می‌شوند، مصداق بارز ناکارآمدبودن آموزش تربیت‌بدنی در کشور است. درحال‌حاضر طرح‌های ملی در مدارس برگزار می‌شوند. مطابق بخش‌نامه‌های طرح ملی که در اختیار روزنامه «شرق» قرار گرفته، طرح ملی دوم ابتدایی، ژیمناستیک است؛ سوم طرح سیاح، چهار طناب، پنجم تنیس روی میز و ششم دوومیدانی است؛ مدارس باید بالااجاب با توجه به امکانات مدرسه این طرح‌ها را انجام دهند. طرح سیباح و اجباری‌شدن شنا در پایه پنجم ابتدایی یکی از این طرح‌ها بود. بعد از اجرایی‌شدن این طرح قرار شد دانش‌آموزان آموزش شنا را به‌صورت اجباری از مدارس آنها را شنای یاد بگیرند و زنگ ورزش و شنا در استخرهای محله بگذرد. هیچ‌کس اما مختصات درستی از این طرح رسم نکرد. منصوره نوروزی، معلم ورزش مدرسه راهنمایی در منطقه ۱۲ تهران، به «شرق» می‌گوید: «شما تصور کنید که مدارس تقریباً در دوران سرمای سال دایر هستند. ما این طفلان معصوم را به استخر می‌بردیم، در سرمای زمستان آنها را شنای می‌دایم و بعد بلافاصله به مدرسه بازمی‌گردانیدیم و اینها همیشه خدا مریض بودند. از طرفی هیچ‌کس به فکر لانه‌گذاری میکروب‌ها روی سر دختران نبود. دخترها بعد از شنا باید بلافاصله با موهای خیس حجاب بر سر می‌کردند و همین باعث ایجاد مشکلات زیادی برای موهای آنها می‌شد. از طرفی ما مجبور بودیم بچه‌ها را به استخر همگانی ببریم و خیلی از دانش‌آموزان دچار عفونت‌های جدی شدند...»

در سال ۸۹ مسئول تربیت‌بدنی آموزش‌وپرورش اعلام کرد آموزش شنا برای دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی اجباری می‌شود اما این گفته زیاد دوام یابورد تا اینکه اعلام شد شنا برای دانش‌آموزان کلاس سوم ابتدایی اجباری است و همه مدارس در همه نقاط کشور باید آموزش شنا را که در قالب طرح سیاح پیش‌بینی شده، در دستور کار قرار دهند؛ اما آغاز اجرای طرح سیباح از سال ۹۰ روایای پنهان این طرح را آشکار کرد به‌طوری‌که مسئول ورزش مدارس، آن هم در دولت بعد، کاستی‌ها را به‌زبان آورد. مهرزاد حمیدی، توضیح داد که برنامه شنای مدارس فقط در سال اول اجرا یعنی سال ۹۰ خوب پیش رفت؛ آن هم به علت حمایت‌های وقت وزیر از آن. به

گفته او، این طرح در سال ۹۱ نیز نیم‌بند اجرا شد و حرارت اولیه‌اش خیلی زود رو به سردی گرایید تا اینکه در سال ۹۲ به‌طورکلی متوقف شد و نقطه پایانش زودتر از زمانی که تصور می‌شد تسیم شد؛ اما اینکه چرا طرح شنای مدارس چنین سرنوشتی پیدا کرد، ریشه‌اش در مشکلات مالی بود. یکی از دیربران تربیت بدنی در گفت‌وگو با «شرق» درباره اجراشدن طرح سیاح در مدارس می‌گوید: «طرح سیباح در ابتدا رایگان بود، فقط بچه‌ها هزینه رفت‌وآمد را می‌دادند. برای همین وزارتخانه بابت تسویه بدهی خود با استخرها مشکلات زیادی داشت. استخرها هم همه مربوط به آموزش‌وپرورش نبودند چون آمار دانش‌آموزی بالا بود و همه مناطق آموزش‌وپرورش در همه استان‌ها مجبور بودند با استخرهای آزاد قرارداد ببندند. برای همین بعد از این اتفاقات قرار شد که بابت شنای هر دانش‌آموز ۳۰ هزار تومان از طرف خانواده‌ها به حساب مناطق واریز شود. خیلی طول کشید تا توانستیم با استخرهای خصوصی تسویه کنیم». وی در ادامه تصریح کرد: «قرار شد در سال‌های بعد این طرح فقط در استخرهای آموزشی برگزار شود و مبلغ آموزش را هم خود دانش‌آموز پرداخت کند. برای مدارس دولتی هم گفتند براساس شعورای تربیت‌بدنی که هر منطقه مصوب می‌کند، ببینید که سطح استخرها چقدر است و چقدر می‌توانند تخفیف بدهند. مثلاً در برخی مناطق سال گذشته ۲۰ هزار تومان برای هر دانش‌آموز در مدارس دولتی و ۲۵ هزار تومان هم برای هر دانش‌آموز در مدارس غیردولتی بود. هزینه رفت‌وآمد هم در هر صورت حساب می‌شد یعنی حداقل هر خانواده ۵۰ هزار تومان می‌دادند و گاهی به صد هزار تومان هم می‌رسید. مدارس با آموزش‌وپرورش قرارداد می‌بندند و مبلغ فیش را هم به حساب آموزش‌وپرورش واریز می‌کنند. این‌گونه گردش مالی اتفاق می‌افتد و حق‌الزحمه مربی هم داده می‌شد».

این مسئول که نمی‌خواهد نامی از او در گزارش آورده شود تاکید کرد: «خیلی از مدارس اسمال این طرح را برگزار نکردند. مطابق برش استانی آن چیزی که مصوب شده، این است که باید ۳۰ درصد دانش‌آموزان تحت پوشش آموزش شنا قرار بگیرند و اجباری نیست که صددرصد دانش‌آموزان مشمول این طرح شوند. ۳۰ درصد هر منطقه‌ای باید طرح سیباح برگزار کنند و از آنجایی که برخی مناطق جزء مناطق بزرگ محسوب می‌شود، ۳۰ درصد آنها عدد قابل‌توجهی می‌شود. بر اساس ظرفیت استخر، دانش‌آموزان برای آموزش فرستاده می‌شوند و ما در هر سئاسی هم بیشتر از تعداد محدودی دانش‌آموز نمی‌توانیم بفرستیم. در این میان عده‌ای هم مخالف این طرح هستند، مثلاً می‌گویند در زمستان لیلی ندارد بچه‌ها استخر بروند. ما هم اجباری نمی‌کنیم که حتما دانش‌آموزان به استخر ما بیایند، ما می‌گوییم بچه‌ها در

جامعه

نگاهی به برگزاری طرح‌های ملی در مدارس

المپیاد ورزشی، درکش وقوس موفقیت وشکست



هر استخری که دوست داشتند آموزش شنا ببینند ولی آزمون را در استخر آموزش‌وپرورش انجام دهند. آن به‌طورکلی متوقف شد و نقطه پایانش زودتر از زمانی که تصور می‌شد تسیم شد؛ اما اینکه چرا طرح شنای مدارس چنین سرنوشتی پیدا کرد، ریشه‌اش در مشکلات مالی بود. یکی از دیربران تربیت بدنی در گفت‌وگو با «شرق» درباره اجراشدن طرح سیاح در مدارس می‌گوید: «طرح سیباح در ابتدا رایگان بود، فقط بچه‌ها هزینه رفت‌وآمد را می‌دادند. برای همین وزارتخانه بابت تسویه بدهی خود با استخرها مشکلات زیادی داشت. استخرها هم همه مربوط به آموزش‌وپرورش نبودند چون آمار دانش‌آموزی بالا بود و همه مناطق آموزش‌وپرورش در همه استان‌ها مجبور بودند با استخرهای آزاد قرارداد ببندند. برای همین بعد از این اتفاقات قرار شد که بابت شنای هر دانش‌آموز ۳۰ هزار تومان از طرف خانواده‌ها به حساب مناطق واریز شود. خیلی طول کشید تا توانستیم با استخرهای خصوصی تسویه کنیم».

نظام آموزش‌وپرورش به تاسی از فلسفه تعلیم و تربیت در ایران، هدف ورزش در آموزش‌وپرورش را توسعه مهارت‌های بنیادی و انجام فعالیت بدنی مستمر در بین دانش‌آموزان می‌داند؛ شعاری که تا رسیدن به آن فرسنگ‌ها فاصله داریم. وجود صدها دانش‌آموز با زانوهای پرانتری، کف پای صاف و کم‌رگود، گواه روشنی بر این ادعاست که با گرفتن یک تست ساده ورزشی از آنها به‌راحتی می‌توان نسبت به اصلاح حرکتی آنها صرفاً در سنین پایه اقدام کرد. طرح المپیاد ورزشی در مدارس آغاز می‌شود و از مدارس می‌خواهد با توجه به امکانات ورزشی‌ای که دارند، ورزش‌های مختلف را بین دانش‌آموزان آموزش دهند. مدراسی که عمده سرمایه ورزشی آنها یک زمین آسفالت چندمنظوره، یک جفت تیردروازه فوسبال، یک میز غیراستاندارد پینگ‌پنگ، چند کاسک و بعضاً چند صفحه شطرنج یا میله بارفیکس است و می‌خواهند با این فقر امکانات به آن اهداف بزرگ هم برسند.

نوری، مدیر دبیرستان دخترانه گل‌ها در منطقه شش، به «شرق» می‌گوید: «موضوع وقتی بدتر می‌شود که باید ساعت و جلسات محدود زنگ ورزش در مدارس را به بقیه محدودیت‌ها اضافه کرد. کل جلسات مفید ورزش در مدارس به‌جز مقاطع ابتدایی ۱۲ تا ۱۴ جلسه یک‌ساعت‌و نیمه در طول یک ترم است و معلم مربوطه باید در این زمان کوتاه، هم مجری طرح المپیاد سراسری باشد، هم امتحانات تئوری و عملی ترم را بگیرد و هم شاگردانش را برای مسابقات منطقه‌ای و... آماده کند؛ عملی‌که از بدو ورود به کلاس با ۲۵ تا ۳۰ دانش‌آموز پرانتری سسروکار دارد». مطابق صحبت‌های کارشنندان حوزه تربیت بدنی وزارت آموزش‌وپرورش، المپیادهای ورزشی درون‌مدرسه‌ای تاکید معاون تربیت بدنی، آقای مهرزاد حمیدی است و در تمام ایران المپیاد درون‌مدرسه‌ای باید برگزار شود. پیش از این هم این المپیادها وجود داشت، اما آن‌قدر فرم و افتخار و اختتامیه نداشت و وقت‌گیر هم نبود. اما الان بسیار وقت‌گیر است. یکی از مسئولان تربیت بدنی نیز به «شرق» می‌گوید: «در طرحی که داده شده می‌خواستند ساماندهی انجام دهند ولی وقت معلم ورزش را کامل می‌گیرد و درگیرش می‌کند. بچه‌ها کلا هفته‌ای دو ساعت ورزش دارند. تا بچه‌ها در این دو ساعت به حیاط بیایند و شروع به کارکردن کنند، زمان تمام می‌شود؛ چه برسد که بخواهی به این زمان کوتاه مسابقه و المپیاد هم اضافه

کنی و فرصت آموزش از دست می‌رود و کار اضافه‌ای برای معلم است. از آن طرف هم می‌گویند از وقت ورزش نباید کم شود و در ساعت تفریح المپیاد برگزار شود؛ سؤال این است که مگر معلم وقت استراحت نمی‌خواهد؟ آیا معلم ورزش نیاز به استراحت ندارد و در ۱۵ دقیقه هم که نمی‌شود کاری کرد. اگر هم بخواهیم به ساعت بعد از مدرسه موکولش کنیم که به معلم حق‌الزحمه‌ای بابت آن پرداخت نمی‌شود. چقدر باید از هزینه انسانی استفاده کنیم و برای اینکه معلمان را اجبار می‌کنیم که حتماً باید المپیاد درون‌مدرسه‌ای برگزار کنند، در ساعت مدرسه این کار را انجام می‌دهند و از ساعت آموزش زده می‌شود و اگر انجام ندهند، ما آنها را زیر سؤال می‌بریم اما واقعیت امر این است که در حوزه وظایف آنها نیست. در این المپیاد باید گروه‌های ورزشی در مدرسه تشکیل شوند. این تیم در ابتدا داخل کلاس هستند، بعد انتخاب می‌شوند که منتخب کلاس اول یا کلاس سوم مسابقه دهد و جدول کشیده و این بازی‌ها در مدارس انجام می‌شود و تا اردیبهشت ماه، زمان مناسب برای برگزاری آن است. این کار دنگ‌وفنگ زیادی دارد؛ اول سال معلم ورزش باید افتتاحیه بگیرد و این افتتاحیه کلی هزینه‌برست، بعد هم وقت اضافه می‌خواهد. بچه‌ها باید رژه ببرند و تیم‌های ورزشی مشخص شوند و کادر داوری داشته باشند و... همه اینها در افتتاحیه انجام می‌شود و باید میهمان هم برای مراسم دعوت شود؛ اینها هم هزینه‌بر است. کاش به جای این هزینه‌ها برای مدارس وسیله ورزشی خریده شود. پول این هزینه‌ها باید یا از بچه‌ها گرفته شود یا از مدیر مدرسه که مدیر مدرسه هم بابت آن پولی نمی‌دهد و باز به گردن بچه‌ها می‌افتد. ما هم هزینه فوق‌برنامه به او نمی‌دهیم و هم می‌خواهیم از وقتش بگذارد؛ درحالی‌که به‌شدت هم کمبود نیروی انسانی داریم.

حیات‌پویا مسالوی حیات پایا

«حیات پویا» یکی دیگر از طرح‌های نوی ورزشی است که از سال گذشته در مدارس کشور برای دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی اجرا می‌شود. طرحی که برخلاف المپیاد سراسری و سیاح به نظر اهالی این حوزه و کارشناسان، کارشناسانه بود و در جذب دانش‌آموزان به سمت ورزش موفق عمل کرده است. مهرزاد حمیدی، معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزیر آموزش‌وپرورش، ایجاد بیشترین نشاط بین بچه‌ها با کمترین امکانات و نیازداشتن به وسایل ورزشی و اجراشدنی‌بودن این طرح در تمامی مدارس کشور را از ویژگی‌های این طرح برشمرد و افزود: «در این راستا با الگوبرداری از برنامه‌هایی که در کشورهای مختلف اجرا می‌شود، یک بسته برنامه‌ای برای ایجاد تحرک در حیاط مدرسه ارائه کردیم. امروزه «حیات پویا» به عنوان یک مکان و «حیات پایا» به عنوان زندگی مستمر و پایدار، لازم و ملزوم یکدیگرند. در این طرح سعی شده بازی‌های سازمان‌یافته محلی از درون کوهچه‌ها با شعار «به مدرسه بازمی‌گردیم» به درون مدرسه منتقل شود. در طرح حیات پویا تلاش می‌شود متناسب‌سازی فضای حیاط مدرسه، از طریق رنگ‌آمیزی و در دانش‌آموزان برای فعالیت بدنی، انگیزه و علاقه ایجاد شود». مسعودی معلم ورزش درباره طرح حیات پویا می‌گوید: «این طرح بسیار خوب است، چون حتی اگر معلم بالای سر دانش‌آموزان نباشد هم می‌توانند از آن استفاده کنند. طرح حیات پویا در خارج از کشور اجرا می‌شود و به‌شدت هدفمند است و در آن بازی‌های محلی گنجانده شده. این طرح در مدارس اجرا می‌شود و کاربردی است و در آن، تمام مدت بچه‌ها می‌توانند بازی کنند؛ این طرح برای مدارس بسیار خوب است».

در این گزارش تلاش برای گفت‌وگو با دکتر مهرزاد حمیدی، معاون تربیت‌بدنی وزارت آموزش‌وپرورش بی‌نتیجه ماند.

سودوکو سخت ۱۵۷۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۵۷۴

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۷	۳	۵	۲	۱	۸	۹	۴	۶
۹	۱	۴	۷	۵	۶	۸	۳	۲
۵	۸	۲	۶	۷	۱	۴	۹	۳
۱	۹	۶	۸	۵	۱	۲	۷	۳
۱	۴	۷	۳	۹	۲	۵	۶	۸
۸	۵	۹	۱	۲	۳	۶	۷	۴
۳	۷	۱	۴	۶	۹	۳	۸	۵
۴	۶	۳	۸	۷	۳	۱	۵	۹

حل سودوکو ۱۵۷۳

۵	۳	۹	۱	۷	۴	۶	۸	۳
۱	۶	۴	۹	۳	۸	۵	۲	۷
۳	۷	۸	۶	۴	۹	۳	۵	۱
۲	۸	۴	۶	۹	۳	۷	۵	۱
۹	۳	۷	۵	۱	۶	۴	۳	۸
۴	۱	۵	۳	۸	۷	۹	۳	۶
۶	۵	۳	۸	۷	۹	۱	۲	۴
۸	۹	۱	۷	۵	۲	۳	۴	۶
۷	۴	۲	۳	۶	۱	۸	۵	۹

جدول ۲۵۷۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۱۲	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۱۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۱۴	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۱۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴

بازندگی انکلی ۱۳- برادر پدر- واحد پول قطر- دادوستدکردن ۱۴- طاق پستان از جاذبه‌های گردشگری این شهر است- رمانی نوشته فهمیه رحیمی، بانوی فقید ادبیات داستانی ۱۵- از نسل علی (ع) و فاطمه (س)- سالخورده- وزین باد.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۱۲	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۱۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۱۴	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۱۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴

سوزاندنی- لقب حضرت عیسی (ع)- حیوان وفادار ۹- ظلم و جور- زن شوهر مرده- غیزمینی ۱۰- همشین برهمن- کران‌بها و قیمتی- فصل اول ۱۱- داغ‌ترین قسمت داخلی زمین- مسیحی- کشوری در همسایگی آرتاتینین ۱۲- دوره‌ها- اصلاح سیاسی- نوعی قارچ

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
					</	